

De-dollarization of trade relations between China and Saudi Arabia by membership in BRICS

Marziyeh AlSadat Alvand¹, Abolghasem Shahriari², Mahla Moghaneh Bailandi³

DOI: [10.48308/piaj.2024.234277.1475](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.234277.1475) Received: 2023/12/27 Accepted: 2024/07/10

Original Article

Extended Abstract

Introduction: The fluctuations caused by the depreciation of the dollar along with the imposition of sanctions against countries using the power of the dollar have caused other countries to seek to reduce dependence on the dollar—a process known as de-dollarization. This is especially important for the People’s Republic of China for two reasons: on the one hand, to counter the hegemony of the US dollar in international exchanges and transactions, and on the other hand, to deal with the increasing energy security risks due to sanctions on China’s oil suppliers. The purpose of this study is to examine China’s actions towards de-dollarization through the establishment of the trans-regional BRICS organization and then to analyze the reasons behind Saudi Arabia’s interest in joining this organization.

Method: The research method is trend analysis using time series and seeks to answer the question: What impact does BRICS membership have on the de-dollarization of trade between China and Saudi Arabia? The initial answer to the research question, which is the research hypothesis, is: the mechanisms designed in the BRICS by China will have a significant potential for Saudi Arabia to reduce dependence on the dollar.

Results and Discussion: Findings indicate that China has become the most important partner of Saudi oil exports during the period under review. In contrast, the consequences of sanctions against Iran and Russia have caused Saudi Arabia to try to reduce

1. Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Bojnord University, Bojnord, Iran. malvand@ub.ac.ir

2. Visiting Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (corresponding author) ab.shahriari@mail.um.ac.ir

3. MA in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran mahlamoghani@mail.um.ac.ir



its dependence on the dollar. The processes within BRICS, especially trading in yuan on par with gold, have created the necessary capacity for Saudi Arabia to reduce its dependence on the dollar. At the same time, it should be noted that the measures taken by Saudi Arabia to expand cooperation with China are overshadowed by its relationship with the United States. Since Saudi Arabia is deeply integrated into the US-led economic and security framework, it cannot easily reduce its dependence on the dollar. Additionally, There is no intention at this time to abandon currency ties or end the defense partnership with the United States. For this reason, Saudi Arabia's long-term strategy is to develop the ability to conduct transactions in both the dollarized and de-dollarized regions, and to reduce its dependence on the United States while maintaining its position in the world energy distribution.

Conclusions: The most important point about the process of de-dollarization and the efforts of organizations like BRICS, led by China, to counter the hegemony of the dollar is that de-dollarization has never meant abandoning the dollar. Instead, it is an attempt to diversify countries' currency reserves and increase the maneuverability of central banks in international exchanges and transactions. This is why China remains one of the largest buyers of US Treasury bonds, despite its significant efforts to reduce the scope of the US dollar's power in international exchanges. In parallel, although it is unlikely that Saudi Arabia will be able to abandon the US dollar in the short and even medium term, it is nevertheless developing a broader financial instrument to reduce its dependence. Saudi Arabia has taken important steps such as designing a central bank digital currency, which plays an important role in the exchanges of BRICS members. Despite being in their early stages, central bank digital currencies appear to be a promising new tool to reduce the dependence of the dollar on regional and trans-regional cross-border transactions.

Keywords: China, Saudi Arabia, BRICS, Dedollarization, Energy security.

Citation: Alvand, Marziyeh AlSadat & Shahriari, Abolghasem & Moghni Bailandi, Mehla. 2024. De-dollarization of trade relations between China and Saudi Arabia by membership in BRICS, Political and International Approaches, Spring, Vol 16, No 1, PP 128-153.



دلارزدایی از روابط تجاری چین و عربستان با عضویت در بریکس

مرضیه السادات الوند^۱، ابوالقاسم شهریاری^۲ و مهلا مقنی بیلندی^۳

DOI: [10.48308/pijaj.2024.234277.1475](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.234277.1475)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: نوسانات ناشی از کاهش ارزش دلار به همراه اعمال تحریم علیه کشورها با استفاده از قدرت این ارز سبب گردیده تا سایر کشورها به دنبال کاهش وابستگی به دلار باشند، فرآیندی که دلارزدایی نام گرفته است. این موضوع به ویژه از سوی چین به دو دلیل دارای اهمیت است: از یک سو مقابله با هژمونی دلار آمریکا در مبادلات بین‌المللی و از سوی دیگر، افزایش ریسک امنیت انرژی به دلیل تحریم شرکای تأمین کننده نفت برای چین. هدف پژوهش حاضر بررسی اقدامات چین در راستای دلارزدایی از طریق تاسیس سازمان فرامنطقه‌ای بریکس و سپس دلایل استقبال عربستان از عضویت در این سازمان است.

روش‌ها: روش پژوهش این مقاله تحلیل روند با استفاده از سری زمانی و در پی پاسخ بدین سؤال است که عضویت در بریکس چه تأثیری بر دلارزدایی از تجارت میان چین و عربستان دارد؟ پاسخ اولیه به سؤال پژوهش که فرضیه تحقیق می‌باشد عبارت است از: مکانیسم‌های طراحی شده در بریکس توسط چین ظرفیت بالقوه مناسبی را جهت کاهش وابستگی به دلار برای عربستان در پی خواهد داشت.

یافته‌ها: یافته‌های مقاله حاکی از آن است که چین طی دوره مورد بررسی به مهم‌ترین شریک صادرات نفت عربستان تبدیل شده و در مقابل نیز تبعات تحریم علیه ایران و روسیه سبب شده تا عربستان درصدد باشد بخشی از وابستگی خود به دلار را کاهش دهد. فرآیندهای موجود در بریکس به ویژه مبادله با یوان هم‌تراز با طلا، توانایی لازم جهت کاهش وابستگی عربستان به دلار را ایجاد نموده است. درعین حال باید توجه داشت که اقدامات صورت گرفته از سوی عربستان جهت توسعه همکاری با چین تحت‌الشعاع رابطه این کشور با ایالات متحده قرار دارد،

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. malvand@ub.ac.ir

۲. استاد مدعو گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

ab.shahriari@mail.um.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. mahlamoghani@mail.um.ac.ir

um.ac.ir



زیرا این کشور به‌طور عمیقی در ساختار اقتصادی و امنیتی تحت رهبری امریکا قرار دارد و نمی‌تواند به‌سادگی وابستگی به دلار را کاهش دهد. همچنین در حال حاضر هیچ نیتی برای کنار گذاشتن پیوندهای ارزی یا پایان دادن به مشارکت دفاعی با واشنگتن وجود ندارد. به‌همین دلیل نیز استراتژی بلندمدت عربستان این است که توانایی انجام مبادلات را در هر دو حوزه دلاری شده و دلارزدایی شده را توسعه دهد و ضمن حفظ جایگاه خود در بازار انرژی جهان، وابستگی خود به ایالات‌متحده را کاهش دهد.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین نکته در خصوص فرآیند دلارزدایی و تلاش سازمان‌هایی همچون بریکس به رهبری چین جهت مقابله با هژمونی دلار این است که دلارزدایی هیچ‌گاه به معنی کنار نهادن دلار نبوده و صرفاً تلاش در جهت متنوع نمودن سبد ارزی کشورها و افزایش قدرت مانور بانک‌های مرکزی در مبادلات بین‌المللی است. به‌همین دلیل است که چین همچنان یکی از مهم‌ترین خریداران اوراق قرضه خزانه‌داری امریکا است، هرچند در عرصه مبادلات بین‌المللی تلاش بسیاری را برای کاهش حیطه قدرت دلار امریکا به انجام رسانده است. به‌موازات این موضوع، اگرچه بعید است که عربستان در کوتاه و حتی میان‌مدت قادر به کنار گذاردن دلار امریکا باشد، با این‌وجود در حال توسعه ابزار مالی گسترده‌تری برای کاهش وابستگی خود است. ریاض گام‌های مهمی همچون طراحی ارز دیجیتال بانک مرکزی را به انجام رسانده که نقش مهمی در مبادلات اعضاء بریکس دارد. ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی علیرغم اینکه در مراحل اولیه خود هستند، به نظر می‌رسد یک ابزار جدید بالقوه امیدوارکننده برای کاهش وابستگی دلار برای مبادلات مرزی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌گردند. واژگان کلیدی: چین، عربستان، بریکس، دلارزدایی، امنیت انرژی.

استناددهی: الوند، مرضیه‌السادات و شهریار، ابوالقاسم و مقنی بیلندی، مهلا. ۱۴۰۳. دلارزدایی از روابط تجاری چین و عربستان با عضویت در بریکس، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، سال ۱۶، شماره ۱، ۱۵۳-۱۲۸.



۱. مقدمه

تأمین انرژی و حفظ امنیت آن یکی از مهم‌ترین مسائل برای کشورهای واردکننده انرژی است، چراکه انرژی برای آن‌ها به جهت حفظ روند تولید و صادرات حیاتی و هرگونه اختلال در روند آن به معنی وارد آمدن آسیب‌های مالی فراوان است. در سوی دیگر نیز صادرکنندگان انرژی قرار دارند که امنیت انرژی برای آنان به معنی ثبات در بازار فروش و وجود خریدارانی است که به‌طور مستمر و با نوسان بسیار اندک نسبت به قراردادهای خرید انرژی پایبند باشند. همین موضوع سبب شده تا چین که مهم‌ترین واردکننده انرژی جهان است و روزانه بیش از ۱۴ میلیون بشکه نفت مصرف دارد درصدد باشد تا روندی را برای خود ایجاد نماید که از آسیب‌های موجود در بازار انرژی جهان به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه امریکا دور بماند.

چراکه تجربه تحریم ایران و روسیه حاکی از آن است که دو منبع مهم تأمین انرژی برای چین عملاً از دسترسی این کشور خارج شده و اختلال مهمی در تأمین انرژی چین به وجود آمد. بنابراین چین برای تأمین امنیت انرژی خود با معضلی به نام تحریم روبه‌رو است که ابزار اصلی امریکا در اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه سایر کشورها، قدرت دلار به‌عنوان ارز ذخیره جهانی و وابستگی تجارت جهانی به این ارز و سامانه مبادلات مبتنی بر آن یعنی شبکه نقل و انتقال مالی جهانی (سوئیفت^۱) است. این موضوع سبب شده تا چین راهکارهایی را برای مقابله با چنین وضعیتی در دیپلماسی اقتصادی خود تعبیه نماید و درعین حال تلاش داشته باشد تا از طریق دیپلماسی اقتصادی اعتبار خود به‌عنوان یک بازیگر تجاری قدرتمند را افزایش دهد (Heath, 2016: 158).

یکی از مهم‌ترین اقدامات چین در دیپلماسی اقتصادی، تلاش در جهت افزایش اعتبار ارزش پول خود و کاهش سطح مبادلات با دلار است. وابستگی صرف به مبادلات تجاری با دلار که از آن به دلاریزه شدن یاد می‌شود، سبب شده تا این ارز به ابزاری جهت اقدامات خارج از قواعد بین‌المللی برای امریکا تبدیل شود و درعین حال آسیب‌های متعددی را برای سیاست داخلی کشورها به همراه آورد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: افزایش ریسک نرخ ارز و ناترازی در پرداخت‌های بین‌المللی، افزایش ریسک بانک مرکزی در مهار نقدینگی و در نهایت برگشت‌ناپذیری ارزش پول ملی به‌دلیل نوسانات دلار (Cakir et al, 2022: 6). این دلایل سبب گردیده تا مفهوم دلارزدایی که اشاره به تلاش در جهت متنوع نمودن سبد ارزی کشورها در مبادلات تجاری دارد، موردتوجه چین قرار گیرد. دلارزدایی در واقع به کاهش تسلط دلار بر بازارهای جهانی اشاره دارد و فرآیند جایگزینی دلار امریکا به‌عنوان ارز تجاری نفت و یا سایر کالاها بوده و ناشی از تمایل به کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی بانک‌های مرکزی کشورها است، جایی که وضعیت دلار به‌عنوان ارز ذخیره می‌تواند به‌عنوان یک سلاح تهاجمی علیه آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Heuleppa, 2023: 327).

تمامی این شرایط سبب گردیده تا چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای واردکننده انرژی تلاش فراوانی را برای کاهش وابستگی به دلار به‌ویژه در مبادلات انرژی بکار گیرد و از این طریق ضمن مقابله با استیلای امریکا بر مبادلات جهانی، امنیت انرژی خود را نیز تأمین نماید. مهم‌ترین اقدام چین در این خصوص، تاسیس و ترویج سازمان فرامنطقه‌ای بریکس^۲ است. آنچه اهمیت فرآیند دلارزدایی به‌طور عام و توجه به این فرآیند در

1. SWIFT: The Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

2. BRICS

سازمان بریکس را مطرح ساخته، این امر است که دلارزدایی معطوف به وضعیت اعمال تحریم‌ها نیز می‌باشد، چراکه سوئیفت تحت نظارت خزانه‌داری ایالات متحده است و در نتیجه تأثیر زیادی بر سامانه‌های تراکنش‌های مالی جهانی، با توانایی اعمال تحریم‌ها بر دولت‌ها و اشخاص دارد (Singh, 2023: 328; Sciortino, 2022: 8; Molodyko, 2020: 72).

در این میان، عربستان از جمله کشورهایی است که در نتیجه اعمال تحریم علیه ایران و روسیه به جایگاه مهمی در تأمین انرژی چین دست‌یافته و به‌موازات بخش مهمی از صادرات عربستان نیز به چین اختصاص یافته است. این موضوع در کنار استفاده بی‌سابقه ایالات متحده از تحریم‌های مالی علیه سایر کشورها از جمله روسیه و ایران، سبب گردیده تا عربستان نیز برای گسترش توانمندی خود برای انجام معاملات بدون دلار گام‌هایی بردارد، هرچند بازار تجاری دلاری نیز همچنان اولویت اصلی آن محسوب می‌شود. درحالی‌که این کشور به‌طور عمیقی در ساختار اقتصادی و امنیتی تحت رهبری ایالات متحده حضور دارد، اما تصور مزایای موجود در روند دلارزدایی نیز عربستان را به این سوی متمایل نموده و به‌همین دلیل متوجه کاهش اتکای خود به واشنگتن و واحد پول آن شده است. ریاض از طریق عضویت در بریکس در حال تغییر دیدگاه خود نسبت به اتکای صرف به دلار است و استفاده بی‌سابقه ایالات متحده به کنترل صادرات، تحریم‌های مالی و محدودیت‌های قیمت نفت علیه روسیه و ایران را نمونه‌های خطرناکی می‌داند که نظم اقتصادی بین‌المللی را تهدید می‌نماید.

هدف این پژوهش امکان‌سنجی دلارزدایی از تجارت عربستان و چین با فرض عضویت در سازمان بریکس است و این سؤال مطرح گردیده که عضویت در بریکس چه تأثیری بر دلارزدایی از تجارت میان این دو کشور دارد؟ فرضیه تحقیق عبارت است از اینکه توافق‌های همکاری اقتصادی بریکس به همراه فرآیندهای مالی ایجادشده توسط اعضای آن از ظرفیت مناسبی برای دلارزدایی برخوردار است. جهت بررسی فرضیه تحقیق، ابتدا روند تجارت اعضا بریکس مورد بررسی قرار گرفته تا توانایی این سازمان در بهبود تجارت اعضا بررسی گردد و سپس زمینه و امکانات موجود حاصل از عضویت در این سازمان برای عربستان در مبادله نفت با چین بررسی خواهد شد.

به لحاظ روش، پژوهش حاضر در زمره تحقیقات تحلیل روند است و در آن از تکنیک سری زمانی^۱ جهت بررسی تأثیر عضویت در بریکس بر مبادلات اقتصادی استفاده شده است. علاوه بر تشریح وضعیت اعضا فعلی بریکس، وضعیت تجارت عربستان-چین و امکانات موجود جهت دلارزدایی مورد بحث قرار خواهد گرفت. جهت بررسی روند مبادلات اقتصادی کشورهای عضو بریکس از سری زمانی استفاده شده است. سری زمانی دربرگیرنده توالی داده‌های کمی است که روند طی شده در یک موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد (Weakli- 2010: 17). به بیان دیگر، سری زمانی، مجموعه مشاهداتی است که برحسب زمان مرتب‌شده و از مشاهده یک پدیده در بازه زمانی طولانی حاصل شده است (Brandt and Freeman, 2006: 4). سری زمانی معمولاً شامل موضوعات منفرد یا واحدهای تحقیقاتی می‌شوند که به‌طور مکرر در فواصل زمانی معین در تعداد زیادی مشاهدات اندازه‌گیری می‌شوند. تحلیل سری‌های زمانی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از طرح‌های طولی در نظر گرفت که به پژوهشگر کمک می‌کند تا فرآیند طبیعی، الگوی تغییر در طول زمان را درک نماید (Dettling, 2010: 17).

25: 2020). داده‌های مورد استفاده در پژوهش بر اساس گزارش بانک جهانی در بازه زمانی ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱ است^۱ و در دو بخش صادرات و واردات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مبانی نظری

وابستگی به دلار یا دلاریزه شدن مفهومی در اقتصاد سیاسی و برای اشاره به وضعیتی به کار می‌رود که مبادلات مالی یک کشور به‌طور وسیعی به دلار متکی گردد. تعریف عملیاتی وابستگی به دلار عموماً با سطح سپرده‌ها یا وام‌های یک کشور مشخص می‌گردد و در صورتی که مجموع آن دو بیش از ۴۰ درصد باشد این‌گونه مطرح می‌شود که آن کشور وابسته به دلار است. در مقابل نیز دلارزدایی به معنی کاهش وابستگی به دلار به زیر ۲۰ درصد و یا کمتر و سپس حفظ آن برای حداقل پنج سال متوالی است. با این معیارها در حال حاضر دو کشور دارای تجربه موفق دلارزدایی بوده‌اند: شیلی و لهستان (Galindo and Leidermna, 2005:9) و دو کشور چین و روسیه نیز اقدامات مهمی را جهت دلارزدایی به انجام رسانیده‌اند.

به لحاظ نظری نیز دلاری شدن به استفاده از ارز خارجی به‌عنوان واحد حساب، وسیله مبادله و ذخیره ارزش تعریف می‌شود و اساساً در سه مفهوم نمایان می‌گردد: دلاری‌سازی دارایی، دلاری‌سازی معاملات و دلاری‌سازی قیمت یا صورت‌حساب (Arrieta et al, 2020: 2). ضعف بنیادهای اقتصادی، تورم بالا و پر نوسان، نوسانات نرخ اسمی ارز و چارچوب ضعیف سیاست پولی از جمله دلایلی هستند که باعث افزایش سطح دلاری شدن می‌شوند. از سوی دیگر، دلاری شدن اثر بخشی سیاست پولی را تضعیف نموده و یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند که طی آن ارزش ارز ملی به‌طور مستمر کاهش یافته و در نتیجه زیان بیشتری در پی خواهد داشت (Abuselidze and Miza, 2019: 64). به همین دلیل بسیاری از کشورها به دنبال راه‌هایی برای کاهش دلاری شدن و الگوبرداری از نمونه‌های موفق دیگر کشورها هستند. دلارزدایی را می‌توان به‌طور دقیق به‌عنوان نتیجه فرآیند خلع پول ایالات متحده از نقش مسلط آن به‌عنوان ارز ذخیره و ابزار پرداخت بین‌المللی درک کرد (Sciortino, 2022: 8).

دلارزدایی در پی بهبود ثبات اسمی و اعتبار مقام پولی کشورها است. این استراتژی بر اقداماتی متمرکز دارد که با کاهش وابستگی به دلار و طی یک دوره زمانی، به تدریج توانایی بانک مرکزی را برای اجرای یک سیاست پولی مستقل و سالم و بدون غفلت از تأثیری که افزایش انعطاف‌پذیری نرخ ارز واقعی بر شکنندگی مالی دارد، افزایش می‌دهد. به همین دلیل، دلارزدایی به‌منزله ترکیب سیاست ضد تورمی با تدابیر احتیاطی و مدیریت نقدینگی است که از نوسانات ارزی غافل نمی‌شود. منظور از سیاست ضد تورمی با تدابیر احتیاطی نیز عبارت است از توجه به محدودیت بدهی به دلار برای بدهکاران با درآمد غیر دلاری و در نظر داشتن ذخایر اجباری متفاوت که ریسک سامانمند ارز خارجی را در نظر می‌گیرد (Yeyati, 2021:38).

تحقیقات صورت گرفته تأیید نموده‌اند که کشورهایی که دستور کار جامع سیاست‌های دلارزدایی را تدوین کرده‌اند، به درجات مختلف موفق شده‌اند این پدیده را با موفقیت با کاهش دهند (Huleppa, 2023; Arrieta and et al, 2022; Shagina, 2022; Yeyati, 2021; Abuselidze and Miza, 2019; Contreras and et al, 2016; Catão and Terrones, 2019). این سیاست‌ها شامل اقدامات کلان اقتصادی (مانند هدف‌گذاری تورم بدون نرخ مبادله‌ای یا تسلط مالی بر بانک مرکزی)، اقدامات اقتصاد خرد (مانند ذخایر مورد نیاز، محدودیت در

1. wits.worldbank.org

وام‌دهی دلاری، یا توسعه ابزارهای پس‌انداز رقابتی به ارز داخلی) و اقدامات محدودیت‌زا برای جلوگیری از دلاری شدن واقعی است؛ اقداماتی مانند محدودیت‌های قانونی مناقصه، تعیین قیمت اجباری به ارز محلی، یا افزایش ریسک خرید و فروش دلار (Cakir and et al, 2022: 6).

نظریه دلارزدایی بر اصلاح دو فرآیند تأکید دارد: (۱) باید مقررات موجود که منجر به وابستگی به دلار شده مورد بازنگری قرار گرفته تا منجر به درونی‌سازی کامل ریسک‌های واسطه‌گری دلار شود و فضای بیشتری برای مانور سیاست پولی دولت فراهم کند و زمینه را برای کاهش خطرهای چنین سیاستی آماده شود (Yeyati, 2021: 37). به بیان دیگر، مهم‌ترین موضوع که موجب نگرانی دولت‌ها در دلارزدایی شده مربوط به افزایش آسیب‌پذیری به دلیل بدهی‌های دلاری بخش دولتی و خصوصی است. کاهش وابستگی به دلار بدون اطمینان از ارزهای جایگزین و اطمینان از فرآیندهای مبادله آن‌ها در تجارت بین‌المللی موجب توقف ناگهانی جریان سرمایه در کشور شده که با کاهش شدید رشد اقتصادی و کاهش شدید ارزش پول داخلی همراه است و به همین سبب می‌تواند مجموعه‌ای از پویایی‌های بسیار دشوار را برای بدهی‌های بخش دولتی و خصوصی ایجاد کند (Galindo and Leidermna, 2005: 7). به همین دلیل برای اجرای سیاست دلارزدایی، اولین ضرورت برقراری ارتباط تجاری مستمر با سایر شرکای بین‌المللی است تا ضمن ایجاد اطمینان از استمرار جریان سرمایه، از افت شدید ارز داخلی نیز جلوگیری گردد.

(۲) باید استفاده از ارز محلی و به‌طور هم‌زمان ارز جایگزین دلار و نیز ابزارهای پس‌انداز مبتنی بر این دو را ترویج نمود. این رویکرد بر فرض زیر استوار است: یک سیاست دلارزدایی خوب باید بر ترس شناور شدن نرخ ارز غلبه کند، سوگیری‌های طرفدار دلار را کاهش دهد و ابزارهای پوشش ریسک ارز محلی و ارز خارجی جایگزین را ترویج کند (Yeyati, 2021: 37). زاویه روانی در نظر گرفتن دلار آمریکا به‌عنوان یک دارایی «پناهگاه امن» این است که مردم همچنان به آن به‌عنوان دارایی نسبتاً بدون ریسک نگاه می‌کنند. علاوه بر این، تخلیه ناگهانی دارایی‌های دلاری توسط بانک‌های مرکزی متخاصم، ترازنامه‌های آن‌ها را با فرسایش ارزش کل دارایی‌های دلاری آن‌ها در معرض خطر قرار می‌دهد (Heuleppa, 2023: 328). به همین دلیل بایست ضمانت‌های لازم برای ورود ارز جایگزین به انجام رسیده و استمرار یابد تا علاوه بر جامعه داخلی، سایر کشورها نیز به اطمینان لازم برای تبادل ارز جایگزین دست یابند.

انجام هم‌زمان این دو اقدام سبب خواهد شد تا وابستگی به دلار و دلاری شدن کاهش یابد و به‌نوبه خود، فضای بیشتری برای اصلاحات آینده در اختیار دولت قرار گیرد. (Yeyati, 2021: 37)؛ چراکه هدف نهایی دلارزدایی، ایجاد مزیت برای ارزهای جایگزین است بطوریکه ریسک تجارت خارجی کاهش یافته و قدرت مانور دولت در مبادلات افزایش یابد. به همین دلیل دلارزدایی مستلزم هزینه سیاسی و مالی هم‌زمان است که برای موفقیت نیاز به حمایت سیاسی دارد. دلارزدایی باید به‌عنوان یک سیاست دولتی پذیرفته‌شده و در طول یک دوره زمانی استمرار یابد تا اثربخش گردد. دلارزدایی هیچ‌گاه به‌منزله کنار نهادن دلار نخواهد بود. (Yeyati, 2021: 63; Plata and Herrero, 2007: 22).

۳. پیشینه تحقیق

جستجو در پایگاه‌های علمی فارسی از جمله کتابخانه ملی، پایگاه مقالات علوم اسلامی و انسانی (نورمگز)، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پرتال جامعه علوم انسانی حاکی از آن است که پژوهشی مجزا در خصوص نظریه دلارزدایی در روابط چین و عربستان انجام نشده، لیکن پژوهش‌هایی در خصوص دلارزدایی به انجام رسیده که به لحاظ محتوایی با پژوهش حاضر دارای قرابت است:

شهریاری و اطهری (۱۴۰۲) چنین بیان نموده‌اند که دلارزدایی فرایندی جهت کاهش وابستگی به نوسانات این ارز و همچنین برای افزایش قدرت بانک‌های مرکزی است. آغاز فعالیت رسمی ایران در سازمان شانگهای بستر مناسبی برای دلارزدایی از تجارت ایران فراهم نموده است. شهریاری و همکاران (۱۴۰۲) سازمان آسه‌آن را جدیدترین اتحادیه‌ای معرفی نموده‌اند که اقدامات دلارزدایی خود را در ابتدای ۲۰۲۳ به تصویب رسانده است. نتیجه بررسی پژوهش بدین قرار است که انتخاب ارز جایگزین دلار و استفاده از سامانه‌های جایگزین سوئیفت مقدمات بهبود مبادلات تجاری ایران-آسه‌آن را مهیا خواهد ساخت.

آلکجیاف و همکاران (۱۴۰۱) چنین بیان نموده‌اند که آمریکا به واسطه هژمونی دلار، به‌عنوان ارز بین‌المللی و سیستم پرداخت‌های بین‌المللی سوئیفت به دنبال اهداف استراتژیک اقتصاد دفاعی و جنگ اقتصادی است. هدایتی شهیدانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود چنین عنوان نموده که آمریکا با استفاده ابزاری از دلار در نظام بین‌الملل، در راستای تقویت ایده هژمونی پولی این کشور در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی عمل کرده است. پیامدهای استفاده ابزاری آمریکا از این ارز در عرصه نظام بین‌الملل و واکنش‌های جهانی درباره آن مانند تلاش روسیه، چین و ایران برای دلارزدایی و پیمان‌های دو یا چندجانبه مالی پرداخته است.

۴. بریکس و فرآیند دلارزدایی

سال ۲۰۰۱ آغاز شکل‌گیری ایده بود که با جریان موجود در عرصه تجارت بین‌المللی مخالف بوده و خواهان ایجاد تغییرات در آن بودند. چهار کشور برزیل، روسیه، هند و چین که به اختصار بریک^۱ نامیده شدند، بنیان‌گذار سازمان بین‌المللی شدند که در سال ۲۰۱۰ با پیوستن آفریقای جنوبی به بریکس تغییر نام داد (Liu and Papa, 2022: 1). در اجلاس تابستان ۲۰۲۳ نیز تأیید گردید که شش کشور ایران، عربستان، آرژانتین، امارات متحده عربی، مصر و اتیوپی از آغاز سال ۲۰۲۴ اعضا جدید این سازمان خواهند بود. وقوع رکود شدید در سال ۲۰۰۸ بنیان‌گذاران این سازمان را بر این داشت که ایده خود در خصوص ایجاد تغییر در فرآیند تجارت بین‌المللی و تشکیل سازمانی جهت مقابله با نوسانات موجود در مبادلات بین‌المللی را بیش از پیش مورد تأکید قرار دهند (Singh, 2023: 331; Johnson, 2013: 3). اهمیت بریکس بدین دلیل است که این کشورها در حال حاضر با بیش از ۳ میلیارد نفر جمعیت حدود ۴۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و برای همکاری مسالمت‌آمیز اقتصادی و سیاسی متحد شده‌اند (Kievich, 2018:41).

علاوه بر این، در حال حاضر اعضا بریکس ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و بیش از ۱۶ درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند (Singh, 2023: 343; Liu and Papa, 2022: 2). همچنین پیش از تشکیل بریکس، کشورهای عضو آن در جی‌دی‌پی پس از آمریکا و اتحادیه اروپا قرار داشتند اما در حال حاضر بریکس

فاصله بسیار اندکی در جی‌دی‌پی با آمریکا داشته و تفاوت بسیار زیادی نیز با اتحادیه اروپا ایجاد نموده است (Parfinenko, 2019: 428). در سال ۲۰۲۱، ارزش مبادلات تجاری بریکس به ۸/۵۵ تریلیون دلار رسید که ۳۳/۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشت. مهم‌ترین مبنای شکل‌گیری و تصمیمات اتخاذ شده در بریکس کنار نهادن تسلط کامل دلار بر مبادلات جهانی است (Heuleppa, 2023: 327) و در این خصوص دو سیاست در بریکس قابل‌شناسایی است.

۴-۱. استراتژی تغییر شرایط موجود

این استراتژی به اقدامات اعضای بریکس جهت کاهش سطح استفاده از دلار در مبادلات متقابل اشاره دارد. اقدامات صورت گرفته در این استراتژی عبارت‌اند از: (۱) بریکس با ایجاد و استفاده از بانک توسعه جدید، امکانات اولیه برای دلارزدایی در سطح گروه با سطح نسبتاً بالایی از اثربخشی ایجاد کرده است (Singh, 2023: 343). بانک توسعه جدید برنامه وام‌دهی به ارز محلی را اجرا کرده که نه تنها به کشورهای عضو کمک می‌کند تا ریسک ارز خارجی وام‌گیرندگان را کاهش دهند، بلکه از توسعه بازارهای سرمایه محلی نیز حمایت می‌کند.

(۲) رتبه اعتباری بالایی بانک توسعه جدید به این بانک اجازه می‌دهد تا سرمایه نسبتاً ارزانی را از بازارهای اوراق قرضه جذب کند و با نرخ‌های بهره پایین‌تر از آنچه می‌توانست توسط خود برخی از وام‌گیرندگان بریکس به دست آید، وام دهد. بانک توسعه جدید همچنین به اعضای بریکس کمک می‌کند تا با اعطای وام به ارز محلی و اولویت‌بندی مقررات و رویه‌های محلی در صورت لزوم، اتکالی خود را به تأمین مالی دلار کاهش دهند (NDB, 2019: 4).

(۳) جایگزینی مبادلات دلاری با طلا دیگر اقدام اعضای بریکس است. این اقدام مربوط به قراردادهای خرید نفت اعضای بریکس است. اقدام چین جهت خرید نفت با ارزیوان که با طلا هم‌تراز شده، در کنار تلاش روسیه برای فروش نفت به سایر ارزها سبب شده تا مبادلات تجاری با طلا مورد توجه اعضای بریکس قرار گیرد (Liu and Papa, 2022: 37).

(۴) جایگزین‌های بریکس برای سوئیفت و دلارزدایی از زیرساخت‌های مالی جهانی: در تلاشی دیگر برای کاهش وابستگی خود به دلار آمریکا، اعضای بریکس زیرساخت‌های پرداخت جهانی خود را برای تراکنش‌های بین‌المللی ایجاد کرده‌اند که مستقل از دلار آمریکا هستند و می‌توانند جایگزینی برای سوئیفت برای تراکنش‌های مالی در سراسر جهان باشند. این امر به اعضای بریکس، به ویژه آن‌هایی که اغلب مشمول تحریم‌های ایالات متحده هستند، اجازه می‌دهد تا قوانین خود را برای بانکداری و تسویه حساب بین‌المللی ایجاد کنند. علاوه بر این، با گسترش زیرساخت‌های مالی جایگزین به سایر کشورها و مناطق، بریکس می‌تواند خرید بیشتری را برای سیستم خود ایجاد کند و نفوذ مالی و سیاسی خود را از طریق این سیستم جایگزین افزایش دهد. در این موضوع، روسیه و چین پیشگام بوده‌اند و سامانه‌های خود را طراحی و اجرا نموده‌اند (Sciortino, 2022: 5; Sutter and Nelson, 2021: 1).

(۵) سیستم پرداخت مشترک بریکس: یک گام مهم دیگر در بریکس به سمت دلارزدایی، سیستم پرداخت

بریکس^۱ است (Molodyko, 2020: 74). این یک سیستم پرداخت بدون تماس واحد است که سامانه‌های پرداخت ملی بریکس را با یک پلتفرم یکپارچه برای پرداخت متصل می‌کند. سیستم پرداخت بریکس کارت‌های اعتباری یا نقدی شهروندان بریکس را به کیف پول‌های آنلاین مرتبط می‌کند که برای پرداخت از طریق یک برنامه تلفن همراه نصب‌شده بر روی تلفن‌های هوشمند آن‌ها به صورت شبانه‌روزی در دسترس خواهد بود (BRICS Busi-ness Council, 2020: 67).

بزرگ‌ترین مزیت سیستم پرداخت بریکس این است که این سیستم پرداخت یکپارچه پیشنهادی استفاده از ارزهای ملی اعضای بریکس را به عنوان مبنای مستقیم مبادله برای پرداخت‌های خارجی ممکن می‌سازد. سیستم پرداخت بریکس همچنین به اعضا این امکان را می‌دهد که وابستگی خود را به سازمان‌های پرداخت بین‌المللی مانند سوئیفت، مسترکارت و ویزا کارت کاهش دهند. این به‌طور بالقوه می‌تواند به اعضای بریکس یک مزیت رقابتی مشترک برای رقابت با بانک‌های سنتی در بازار جهانی خدمات مالی که در حال حاضر تحت سلطه بانک‌های ایالات متحده است و همچنین قوانین و هنجارهای ایالات متحده بدهد (Liu and Papa, 2022: 43).

۶) ارز دیجیتال بریکس: بریکس همچنین در حال بررسی یک مسیر غیرمتعارف به سمت دلارزدایی است، یعنی استفاده از فناوری بلاک‌چین برای ساخت ارز دیجیتال بریکس. در جریان اجلاس سال ۲۰۱۷، کمیته مالی بریکس امکان جایگزینی دلار آمریکا با ارز دیجیتال بریکس در تسویه حساب بین اعضا را مطرح نمود و در اجلاس ۲۰۱۸، بانک‌های توسعه کشورهای بریکس توافق‌نامه‌ای را برای همکاری در زمینه تحقیقات بلاک‌چین و توسعه اقتصاد دیجیتال امضا کردند و از این طریق همکاری خود در پیشرفت‌های فناوری را آغاز نمودند. ارز دیجیتال بریکس می‌تواند در چارچوب پرداخت مشترک بریکس یکپارچه شود و به شکل جریان اسناد بدون کاغذ برای تسهیل تراکنش‌ها باشد. با توجه به اینکه اعضای بریکس بر سر همکاری تحقیق و توسعه بلاک‌چین توافق کرده‌اند، این امکان برای آن‌ها وجود دارد که این سیستم را با استفاده از فناوری بلاک‌چین توسعه دهند (Liu and Papa, 2022: 4; Molodyko, 2020: 75).

۴-۲. استراتژی اصلاح وضعیت موجود

این استراتژی به اقداماتی اشاره دارد که اعضا بریکس جهت مبادلات مالی با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ نموده‌اند و از طریق این اقدامات درصدد اصلاح شرایط مبادلات بین‌المللی هستند. مهم‌ترین اقدامات بریکس در این حوزه عبارت‌اند از:

۷) برای این منظور، اعضای بریکس دارایی‌های ذخیره خود را در سطح دولتی متنوع کرده‌اند و همچنین به‌طور جمعی یک لایه داخلی حمایت از طریق تهמיד ذخیره مشروط^۲ مبتنی بر دلار ایجاد کرده‌اند تا وابستگی خود را به صندوق بین‌المللی پول اصلاح کنند (Singh, 2023: 343). بریکس همچنین به‌طور مشترک در مورد اصلاح حق برداشت ویژه^۳ صندوق بین‌المللی پول در حال تلاش بوده است. تهמיד ذخیره مشروط به تقویت بیشتر دفاع جمعی بریکس در برابر بحران‌های تراز پرداخت‌ها به دلیل کمبود دلار کمک می‌کند. اعضای بریکس

1. BRICS Pay
2. Contingent Reserve Arrangement
3. Special drawing rights

مجازند در مواقع ضروری از ذخایر ۱۰۰ میلیارد دلاری از طریق سوآپ با استفاده از ارزهای خود استفاده کنند (Sarkar, 2016: 90).

۸) بورس‌های بریکس اقداماتی را آغاز نموده‌اند که در حال تغییر شکل بازارهای سهام جهانی است. چنین ابتکاراتی در سطح بریکس نشان‌دهنده قدرت بریکس به‌عنوان یک ائتلاف دلارزدایی است که در سیستم موجود مبتنی بر دلار برای بهبود استقلال و نفوذ بریکس کار می‌کند (Liu and Papa, 2022: 53).

۹) داشتن یک سبد متمرکز از اوراق بهادار خزانه‌داری امریکا نه تنها هزینه فرصت اعضای بریکس را در زمان تضعیف دلار امریکا افزایش داده است، بلکه آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی آن‌ها را در برابر تحریم‌های ایالات متحده افزایش داده است. برای تقویت دفاع از خود در برابر هژمونی دلار امریکا، بانک‌های مرکزی بزرگ بریکس، به‌ویژه بانک روسیه، دارایی‌های ذخیره خود را با کاهش دارایی‌های خود در اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده متنوع کرده‌اند. به‌طورمثال داده‌های سرمایه بین‌المللی خزانه‌داری امریکا نشان می‌دهد که دارایی‌های روسیه از اوراق بهادار خزانه‌داری ۸۴ درصد کاهش صرفاً بین مارس تا مه ۲۰۱۸ داشته و از ۹۶/۱ میلیارد دلار به ۱۴/۹ میلیارد دلار رسیده است (Liu and Papa, 2022:60).

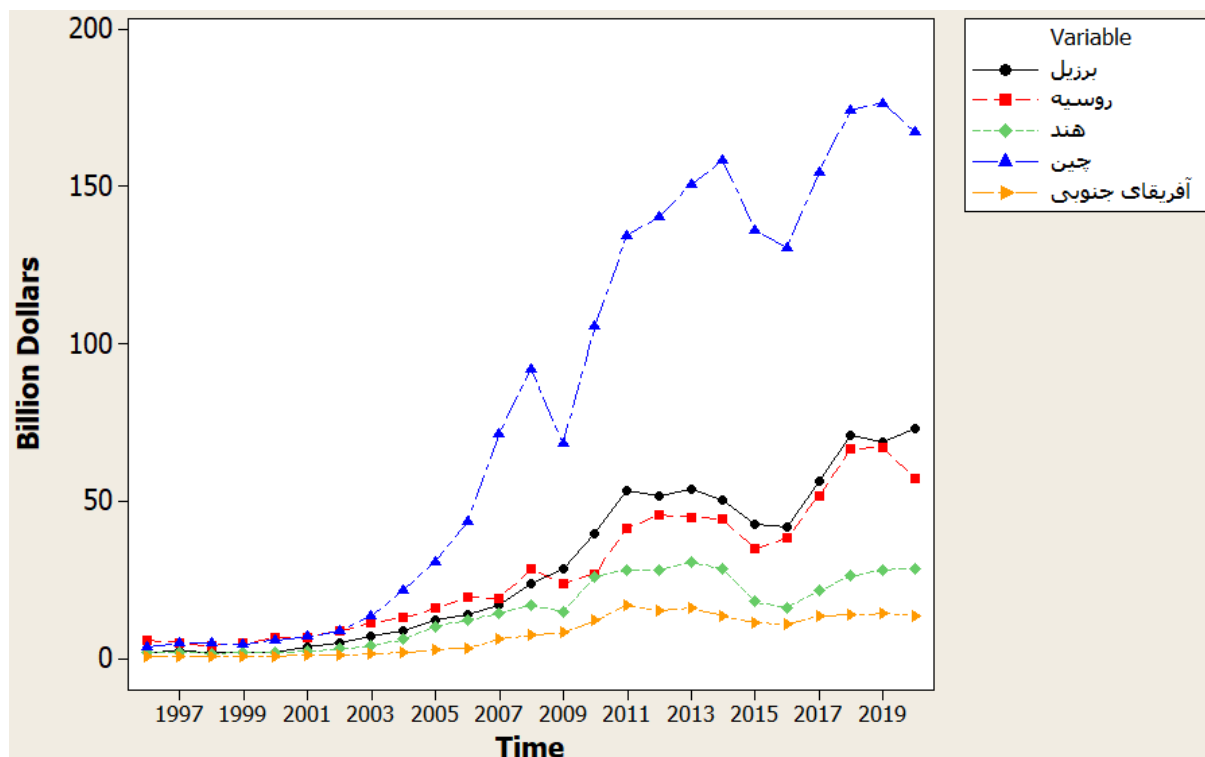
۱۰) آغاز تجارت با سامانه‌هایی غیر از سوئیفت: جهت اصلاح وضع موجود، بریکس اقدام به تجارت با سایر کشورهای جهان بر مبنای سامانه‌های جایگزین سوئیفت نموده که توسط دو عضو بریکس (چین و روسیه) طراحی شده است (Heuleppa, 2023: 329). این اقدامات چین و روسیه در دهه ۲۰۱۰ آغاز گردید، به‌ویژه پس از تحریم‌های سال ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ علیه روسیه که عملاً این کشور را از اقتصاد دلاری منفک نموده و در نتیجه بازاری به وجود آمده که از دلار استفاده نمی‌کند (Heuleppa, 2023: 328). به‌همین دلیل این دو کشور مکانیسم‌های پرداخت فرامرزی خود را به‌عنوان جایگزینی برای شبکه ارتباطات مالی بین‌بانکی جهانی (سوئیفت) ایجاد نمودند. روسیه سامانه SPFS^۱ را از سال ۲۰۱۸ مورد بهره‌برداری قرار داده و تا سال ۲۰۲۰ بخش عمده‌ای از شرکای تجاری خود را به این سامانه متصل نموده که بخش مهمی از آنان از جمله چین و هند عضو بریکس هستند و توافقنامه‌های اقتصادی موجود در این سازمان نیز به این روند یاری رسانده است (Singh, 2023: 33). چین نیز سامانه CIPS^۲ را از سال ۲۰۱۲ راه‌اندازی نموده (Sciortino, 2022: 3; Singh, 2023: 344; Sutter and Nelson, 2021: 1; Desai and Hudson, 2021: 34) و با گسترش آن با شرکای تجاری خود توانسته است در سال ۲۰۲۱ حدود سیزده تریلیون دلار را ثبت و پرداخت نماید. از سال ۲۰۲۲ تلاش برای اتصال سامانه‌های روسیه و چین و همچنین اتصال سایر اعضا بریکس به آن‌ها به انجام رسیده است و براین اساس بخش عمده‌ای از تجارت میان این کشورها دلارزدایی شده است (Davis, 2023: 40).

در مجموع بایست عنوان نمود که دیپلماسی اقتصادی چین راهبردی دوجانبه نسبت به بریکس دارد: از یک سو اتحاد با سایر اقتصادهای نوظهور و از سوی دیگر همکاری برای اصلاحات مالی بین‌المللی؛ از یک سو چین با به چالش کشیدن نقش مسلط نهادهایی مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی در مورد تأمین مالی حمل‌ونقل و سایر پروژه‌های زیربنایی در آسیا، فشار بیشتری بر غرب برای تسریع روند اصلاحات مالی بین‌المللی وارد نموده و از سوی دیگر در تلاش است تا تجارت با ارز جایگزین دلار را رونق بخشد. هر دو این اهداف در بریکس متبلور

1. System for Transfer of Financial Messages
2. The Cross-Border Interbank Payment System

شده است (Hooijmaaijers, 2021, 37). پیامد اقدامات پیش‌بینی‌شده در حوزه بریکس را می‌توان در عملکرد اعضای این سازمان نیز بررسی نمود. جهت این امر روند صادرات و واردات اعضای بریکس در سری زمانی ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۱ بررسی شده است.

۳-۴. سری زمانی صادرات



نمودار ۱- سری زمانی صادرات اعضای بریکس

همان‌گونه که در نمودار پیداست روند صادرات هر عضو بریکس به سایر اعضا در طول سری زمانی روند صعودی دارد و از سال ۲۰۱۱ روند آن شدت بیشتری داشته است. چین تفاوت بسیاری با سایر اعضا دارد؛ روسیه و برزیل شرایط صادراتی مشابه یکدیگر داشته‌اند و هند و آفریقای جنوبی نیز روندی مشابه داشته‌اند. جزئیات روند صادرات در جدول ذیل درج شده است.

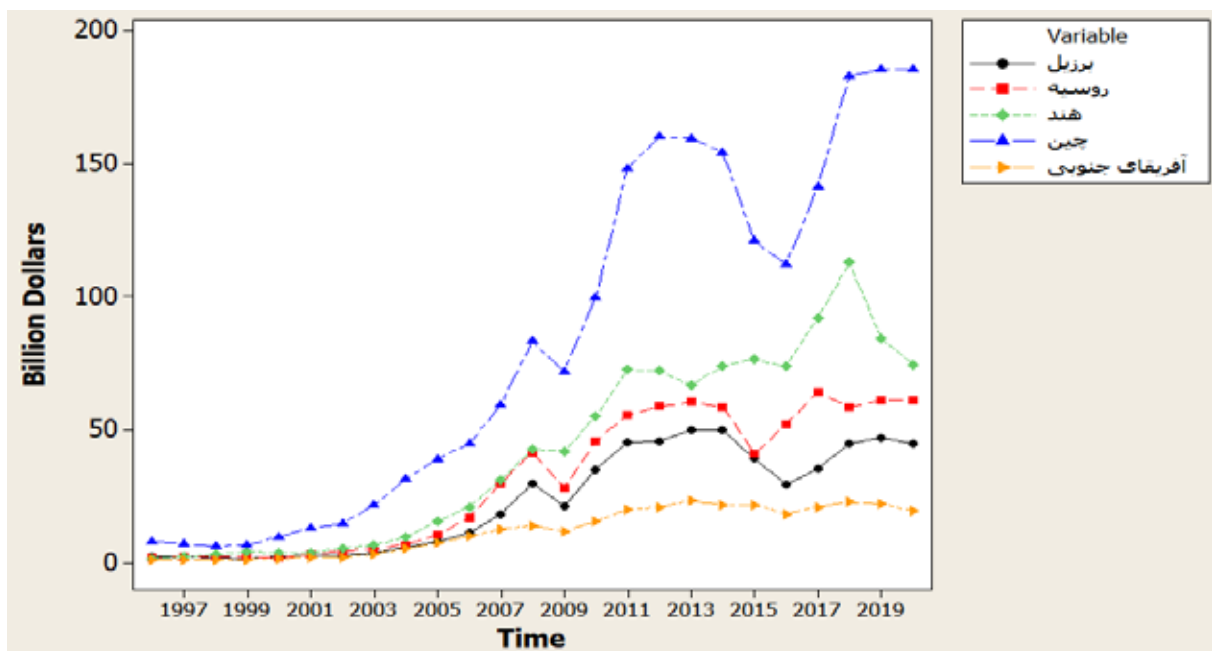
جدول ۱- توصیف سری زمانی وضعیت صادرات اعضای بریکس

کشور	صادرات از ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۰		صادرات از ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰		ضریب رشد	
	مجموع به میلیارد دلار	میانگین درصد	مجموع به میلیارد دلار	میانگین درصد	مجموع صادرات	میانگین درصد

۱۸۴٪	۲۳۰٪	۲۵/۷۸	۵۶۳/۴۱	۹/۱	۱۷۰/۹۶	برزیل
۷۶٪	۱۴۶٪	۱۱/۸۳	۴۹۳/۰۵	۶/۷۲	۲۰۰/۲۸	روسیه
۱۲٪	۱۱۱٪	۸/۴۹	۲۵۴/۷۷	۷/۵۸	۱۲۰/۶۱	هند
۷۴٪	۲۱۳٪	۶/۷۱	۱۵۲۴/۵۲	۳/۸۶	۴۸۷/۴۴	چین
۱۳۷٪	۱۸۱٪	۱۵/۳۹	۱۳۹/۹۱	۶/۵۰	۴۹/۸۷	آفریقای جنوبی
۱۰۲٪	۱۸۹٪	۱۳/۶۴	۲۹۷۵/۶۶	۶/۷۵	۱۰۲۹/۱۶	جمع

مقایسه دو دوره پیش و پس از تشکیل بریکس و توافقنامه مالی و تجاری اعضا آن نشان می‌دهد که تمامی اعضا پس از تشکیل بریکس افزایش بسیار زیادی در میزان صادرات به دیگر اعضا داشته‌اند و در تمامی کشورها مجموع صادرات و درصد صادرات افزایش یافته است. در مجموع صادرات برزیل بیشترین ضریب رشد را داراست و پس از آن چین قرار دارد. در افزایش درصد از کل صادرات نیز برزیل و آفریقای جنوبی بیشترین افزایش صادرات را پس از تشکیل بریکس داشته‌اند. در مجموع، پس از تشکیل بریکس میزان صادرات در کشورهای عضو به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

۴-۴. سری زمانی واردات



نمودار ۲- سری زمانی واردات اعضا بریکس

واردات کشورهای عضو بريکس داراي روند صعودي بوده و از سال ۲۰۱۱ نیز شدت بيشتري يافته است به گونه‌اي که در سال‌هاي کاهش بين ۲۰۱۴ الي ۲۰۱۶ نیز تفاوت بسياري با سال‌هاي قبل از تشکيل بريکس دارد. چين در هر دو دوره بيشتري واردات را به خود اختصاص داده، اما پيش از تشکيل بريکس ساير اعضا تشابه بسيار زيادي در واردات داشته و تقريباً داراي عملکرد يکسان هستند. اما پس از تشکيل بريکس علاوه برافزايش قابل توجه در تمامي آن‌ها، هند ميزان واردات بيشتري را به خود اختصاص داده و پس از آن روسيه و برزيل و آفريقاي جنوبي قرارگرفته‌اند. جزئیات روند واردات کشورهای بريکس در جدول ذيل درج شده است.

جدول ۲- توصيف سري زماني وضعيت واردات اعضا بريکس

کشور	واردات از ۱۹۹۶ الي ۲۰۱۰		واردات از ۲۰۱۱ الي ۲۰۲۰		ضريب رشد	
	مجموع به مليارد دلار	ميانگين درصد	مجموع به مليارد دلار	ميانگين درصد	مجموع واردات	ميانگين درصد
برزيل	۱۵۰/۵	۸/۷۶	۴۳۲/۴۳	۲۱/۷۲	۱۸۷٪	۱۴۸٪
روسيه	۲۰۴/۴۱	۱۰/۰۱	۵۷۱/۴۰	۲۲/۴۰	۱۸۰٪	۱۲۴٪
هند	۲۴۸/۹۳	۱۰/۱۴	۷۹۹/۴۳	۱۷/۸۰	۲۲۱٪	۷۶٪
چين	۵۱۷/۶۷	۵/۶۵	۱۵۴۸/۶۴	۸/۱۷	۱۹۹٪	۴۵٪
آفريقاي جنوبي	۹۱/۵۸	۱۰/۶۷	۲۱۲/۲۹	۲۳/۷۹	۱۳۲٪	۱۲۳٪
جمع	۱۲۱۳/۰۹	۹/۰۵	۳۵۶۴/۱۹	۱۸/۷۸	۱۹۴٪	۱۰۸٪

همچون شرايط صادرات، مقايسه دو دوره پيش و پس تشکيل از بريکس و توافقمه مالي و تجاري اعضا آن نشان مي‌دهد که تمامي اعضا پس از تشکيل بريکس افزايش بسيار زيادي در ميزان واردات از ديگر اعضا داشته‌اند و در تمامي کشورها مجموع واردات و درصد واردات افزايش يافته است. در مجموع واردات هند بيشتري ضريب رشد را داراست و پس از آن چين قرار دارد. در افزايش درصد از کل واردات نیز برزيل و روسيه بيشتري افزايش واردات را پس از تشکيل بريکس داشته‌اند. در مجموع، پس از تشکيل بريکس ميزان واردات از کشورهای عضو به ميزان قابل توجهي افزايش يافته است. ضريب محاسبه شده براي روند صادرات و واردات در اعضا بريکس در جدول ذيل درج شده است.

جدول ۳- سري زماني وضعيت صادرات و واردات در اعضاي بريکس

کشور	ضریب سری زمانی صادرات		ضریب سری زمانی واردات		تراز تجاری (میلیارد دلار)	
	۱۹۹۶ الی ۲۰۱۰	۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰	۱۹۹۶ الی ۲۰۱۰	۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰	۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰	۱۹۹۶ الی ۲۰۱۰
برزیل	۰/۶۰۶	۰/۸۶۲	۰/۷۲۲	۰/۸۴۳	۲۰/۴۴	۱۳۰/۹۸
روسیه	۰/۷۵۸	۰/۸۴۱	۰/۵۸۴	۰/۸۴۰	-۴/۱۳	-۷۸/۳۵
هند	۰/۵۲۸	۰/۸۱۹	۰/۴۰۶	۰/۸۷۴	-۱۲۸/۳۲	-۵۴۴/۶۶
چین	۰/۵۶۱	۰/۸۲۲	۰/۷۳۷	۰/۸۵۲	-۳۰/۲۳	-۲۴/۱۲
آفریقای جنوبی	۰/۴۹۹	۰/۸۷۱	۰/۳۱۰	۰/۸۹۱	۴۱/۷۱	-۷۲/۳۸

همچنان که در نمودار ۱ و ۲ نمایان بود، روند صادرات و واردات در پیش و پس از تشکیل بریکس برای اعضا آن صعودی بود لیکن روند مبادلات تجاری از ۱۱۰۲ و تشکیل بریکس شدت بیشتری یافته بود. این موضوع در ضریب محاسبه‌شده برای این دو دوره نیز تأیید شده و در همه کشورهای ضریب سری زمانی در صادرات و واردات پس از تشکیل بریکس بالاتر از ضریب پیش از تشکیل بریکس است. لازم به ذکر است که از سال ۴۱۰۲ الی ۶۱۰۲ به دلیل اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه اختلالی موقت در روند تجارت کشورهای بریکس قابل‌رؤیت است که همین امر موجب کاهش ضریب سری زمانی به‌ویژه در برزیل و چین که شرکای تجاری مهم‌تری برای روسیه محسوب می‌شوند، شده است. تراز تجاری محاسبه‌شده نیز حاکی از این موضوع است که به‌جز برزیل که در هر دو دوره تراز مثبت با اعضا بریکس داشته، مابقی اعضا در هر دو بازه تراز منفی با اعضا بریکس دارند.

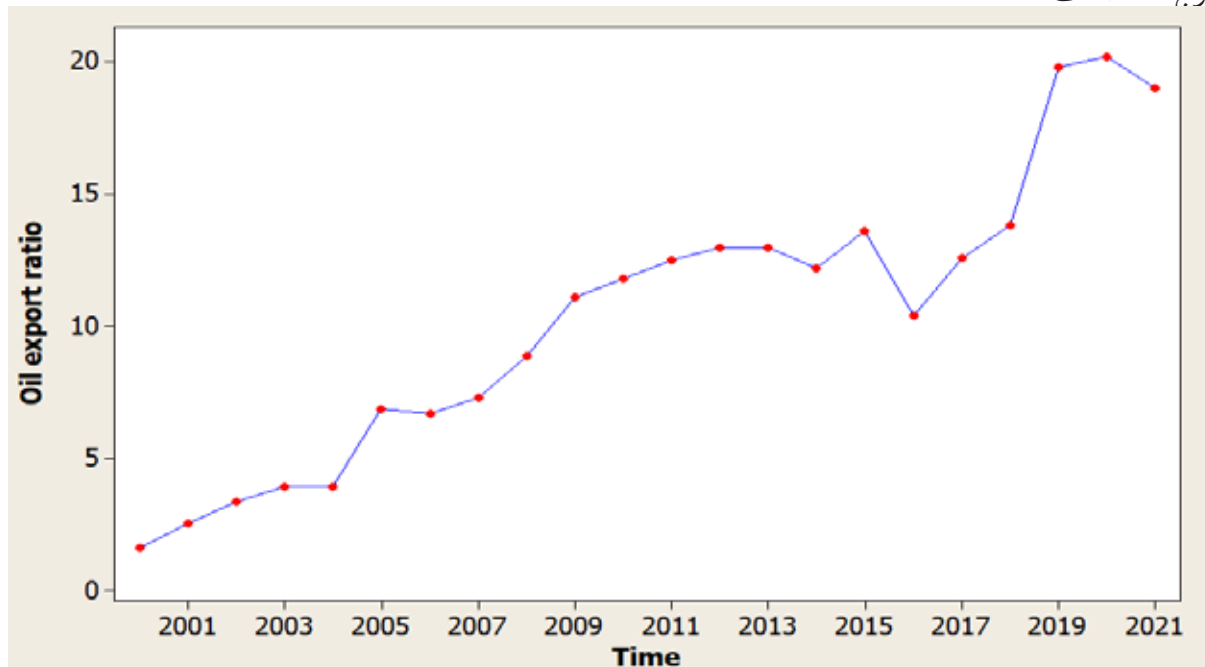
۵. روابط تجاری چین و عربستان

بنابر روند موجود در بریکس که در بخش پیش تشریح گردید، پیش‌بینی می‌گردد که عضویت عربستان در این سازمان نیز منجر به افزایش مبادلات این کشور با سایر اعضا گردد و مکانیسم‌های طراحی‌شده در این سازمان برای کاهش نوسانات دلار موجب افزایش مبادلات غیر دلاری عربستان با سایر کشورهای به‌ویژه چین که بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان در بریکس محسوب می‌گردد، خواهد شد. جهت بررسی روندهای موجود در روابط تجاری چین و عربستان و مزایای موجود در نتیجه عضویت عربستان در سازمان بریکس سری زمانی مبادلات این دو کشور در بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱ بررسی گردیده است.

۵-۱. سری زمانی مبادلات چین و عربستان

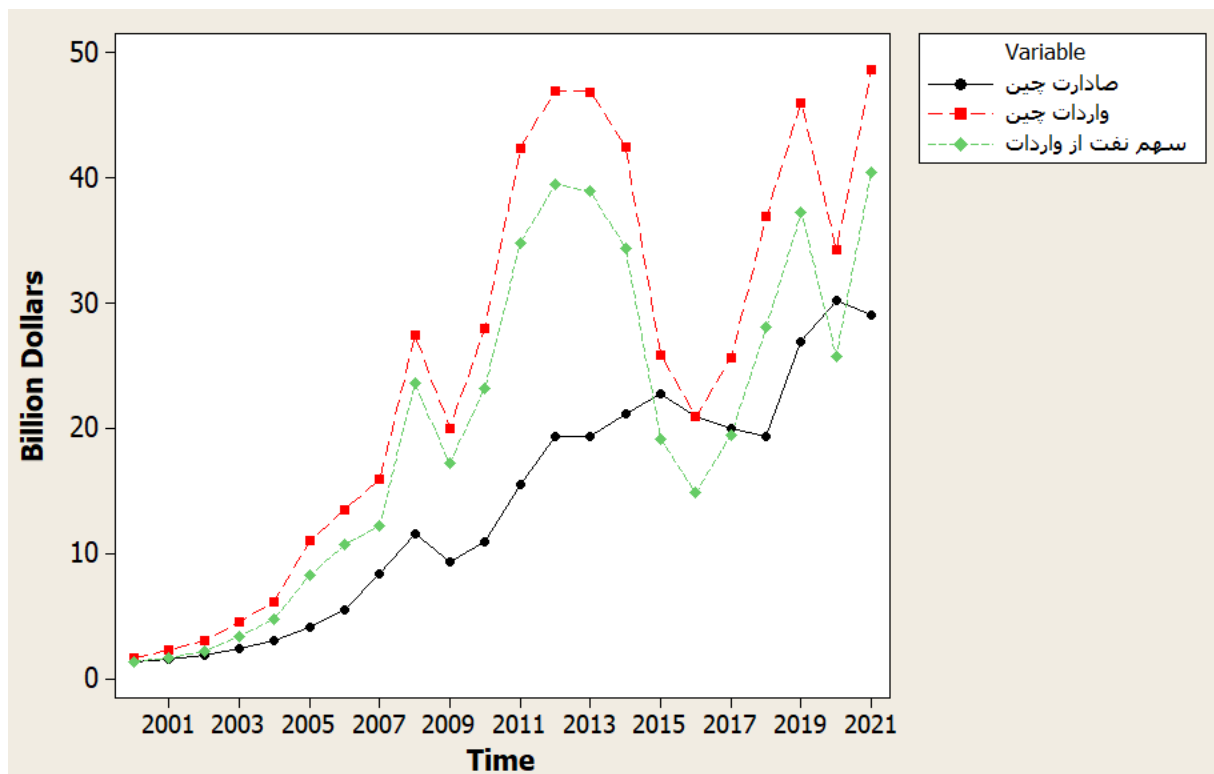
در بازه زمانی موردبررسی، عربستان همواره یکی از کشورهای تأمین‌کننده انرژی به‌ویژه نفت که اصلی‌ترین حامل انرژی محسوب می‌گردد، بوده است. روند جایگاه عربستان در تأمین انرژی چین در نمودار ذیل

درج شده است:



نمودار ۳- سری زمانی واردات نفت چین از عربستان

همان‌گونه که در نمودار فوق قابل‌مشاهده است، از سال ۲۰۰۰ به این‌سوی هر ساله چین نسبت بیشتری از انرژی موردنیاز خود را از طریق عربستان تأمین نموده و صرفاً در سال ۲۰۱۶ که هم‌زمان با اجرایی شدن برجام است، نسبت تأمین انرژی از عربستان کاهش داشته است. پس‌از آن اما به‌دلیل تحریم مجدد ایران و پس‌از آن روسیه و تبعات جنگ اوکراین، نسبت تأمین انرژی چین از عربستان افزایش چشم‌گیری داشته است. بنابراین در حال حاضر امنیت خرید و فروش برای هر دو طرف بیش از هر زمانی به یکدیگر وابسته شده است. به‌موازات افزایش صادرات نفت به‌عنوان اصلی‌ترین حامل انرژی، تجارت دو کشور نیز افزایش فراوانی داشته است:



نمودار ۴- سری زمانی مبادلات تجاری چین و عربستان

اطلاعات نمودار فوق مؤید این نکته است که مجموع واردات چین از عربستان بیش از صادرات بوده و در این میان سهم واردات نفت بسیار بالاست. جزئیات تجارت چین و عربستان در جدول ذیل درج شده است:

جدول ۴- توصیف سری زمانی مبادلات تجاری چین و عربستان

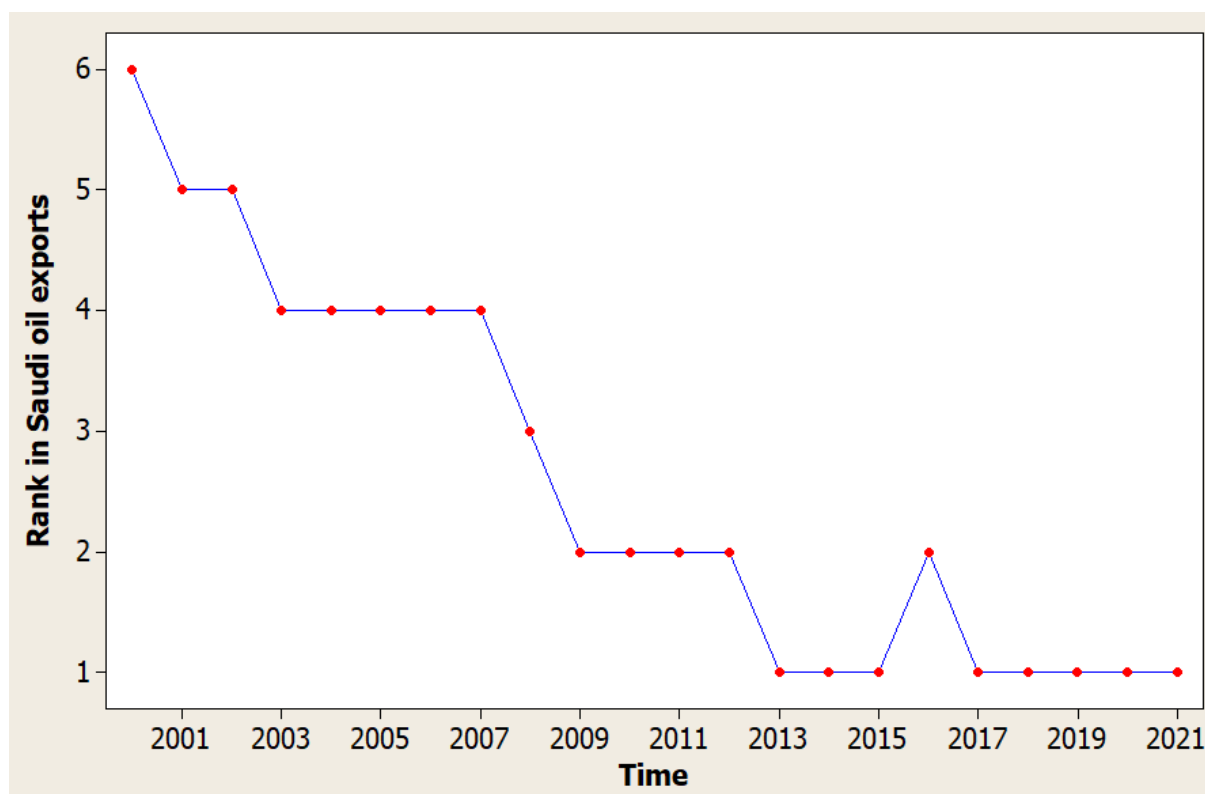
ضریب رشد		واردات از ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۰		صادرات از ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱	
واردات	صادرات	میانگین	مجموع به میلیارد دلار	میانگین	مجموع به میلیارد دلار
۲۹۰۶٪	۲۳۱۰٪	۲۵	۵۵۰/۵	۱۳/۸	۳۰۴/۵

طی بیست و دو سال مورد بررسی، افزایش بسیار چشمگیری در مبادلات میان دو کشور رخ داده به نحوی که صادرات چین به عربستان بیش از ۲۳ برابر شده و به موازات آن واردات از عربستان نیز ۲۹ برابر رشد داشته که نشان دهنده رشد بسیار بالایی مبادلات میان دو کشور است.

جدول ۵- سری زمانی مبادلات تجاری چین و عربستان

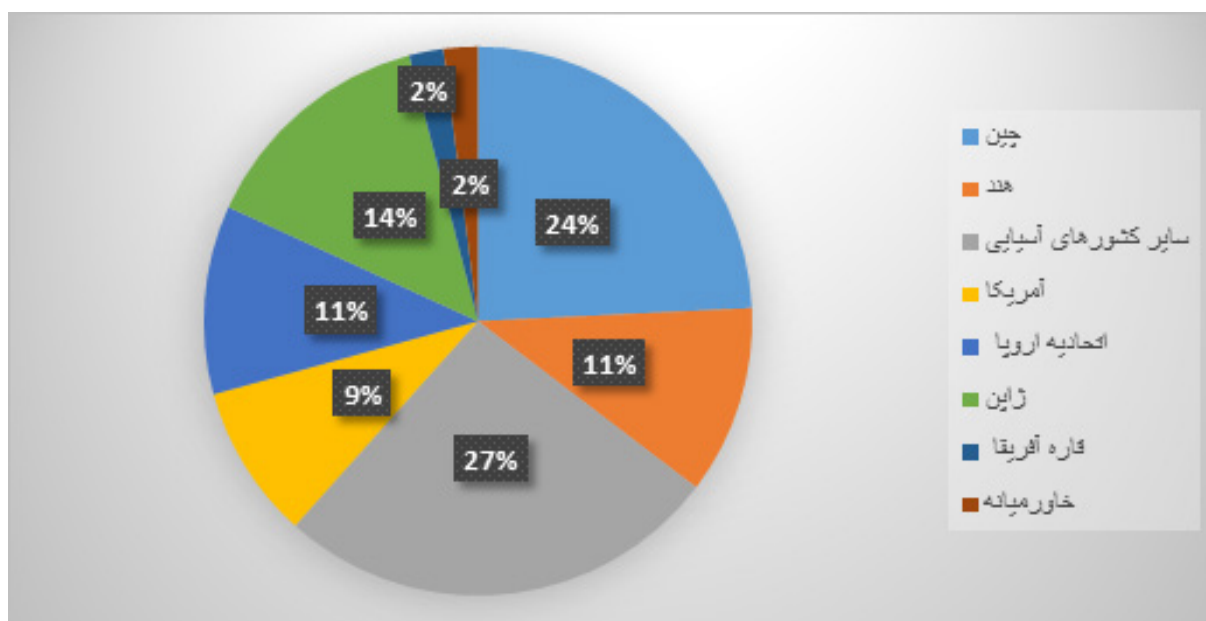
تراز تجاری (میلیارد دلار)	ضریب سری زمانی واردات ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱	ضریب سری زمانی صادرات ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱
-۲۴۶	۰/۶۵۵	۰/۸۲۸

هرچند میزان واردات بیش از صادرات بوده و تراز منفی گردیده است، اما کاهش میزان واردات بین سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶ موجب شده است تا ضریب صادرات بیش از واردات باشد. این موضوع نشان‌دهنده این امر است که صادرات چین روند باثبات بیشتری را دارا بوده است. هرچند روند شتابان واردات انرژی پس از سال ۲۰۱۷ تأثیر بسزایی در تراز تجاری به نفع عربستان داشته است. روند وابستگی متقابل چین و عربستان به تجارت نفت را در رتبه چین بین سایر واردات کنندگان نفت عربستان نیز می‌توان بررسی نمود:



نمودار ۵- رتبه چین در صادرات نفت عربستان

همان‌گونه که در نمودار مشخص است، از سال ۲۰۰۹ به این سوی، چین جز دو کشور اصلی در صادرات نفت عربستان بوده و از سال ۲۰۱۷ بدین سو نیز به‌تنهایی در صدر کشورهای قرار دارد که بیشترین سهم از صادرات نفت عربستان را به خود اختصاص داده است. این موضوع در سال ۲۰۲۲ نیز تکرار شده است و بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، چین با اختصاص ۲۴ درصد از صادرات نفت عربستان به خود، مهم‌ترین شریک تجاری این کشور محسوب می‌گردد.



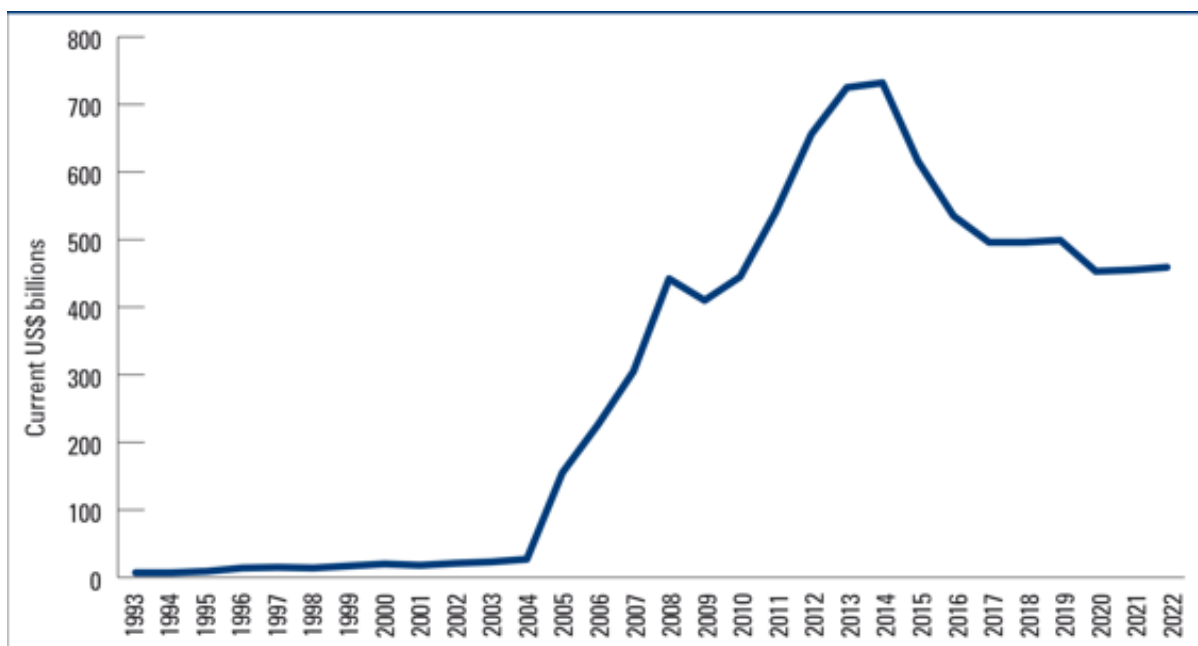
نمودار ۶- سهم کشورهای خاورمیانه از صادرات نفت عربستان در ۲۰۲۲

همان‌گونه که در نمودار مشخص است، دو کشور عضو بریکس (چین و هند) ۳۵ درصد از صادرات نفت عربستان را به خود اختصاص داده‌اند، ضمن آنکه بخش مهمی از ۲۷ درصد صادرات به سایر کشورهای آسیایی نیز مستقیماً به کشورهای چینی و تایوان صورت می‌گیرد که وابستگی اقتصادی فراوانی با چین دارند. چنین شرایطی سبب گردیده تا علی‌رغم وجود قراردادهای موسوم به «وابستگی متقابل دلارهای نفتی» میان عربستان و آمریکا و اتصال واحد پول عربستان به دلار از سال ۱۹۸۶ که موجب شده تا بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی کلان عربستان در اوراق خزانه آمریکا سرمایه‌گذاری گردد و در نتیجه منافع اقتصادی این کشور دچار دلاریزه شدن در سطح بالایی گردد. تجربه ایران و به‌ویژه روسیه نشان داده که وابستگی به دلار تا چه اندازه سبب خواهد شد اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده آسیب به همراه داشته باشد.

علاوه بر آنکه شراکت ایالات متحده و عربستان از سال ۲۰۲۱ به دلیل اختلافات در مورد سیاست انرژی تحت فشار شدید قرار گرفته است. بر اساس برخی برآوردها، تصمیم دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا برای سازمان‌دهی بزرگ‌ترین کاهش ذخایر استراتژیک نفت آمریکا در سال ۲۰۲۲ به منظور کاهش قیمت نفت، ممکن است طی سال‌های آینده و در کوتاه‌مدت به ضرر عربستان گردد و تا ۱۰۰ میلیارد دلار ضرر برای این کشور به همراه داشته باشد (Razek et al, 2023). بعلاوه آنکه اقدام عربستان یک ماه قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده در خصوص کاهش سهمیه تولید نفت در اکتبر ۲۰۲۲ جهت افزایش قیمت، سبب گردیده تا واشنگتن متعهد شود که «عواقبی» را بر ریاض تحمیل کند. این موضوعات حاکی از آن است که سیاست انرژی تا چه حد به موضوعی بحث‌برانگیز در مناسبات آمریکا و عربستان تبدیل شده است. علاوه بر این، اقدامات واشنگتن برای کاهش قیمت نفت و هدف قرار دادن منافع نفتی روسیه، از سوی عربستان

به‌عنوان تلاشی برای بازنویسی قوانین بازار جهانی نفت تفسیر شده است. سعودی‌ها نگران هستند که سقف قیمتی G7 برای صادرات نفت روسیه، در صورت موفقیت، توسط مصرف‌کنندگان نفت افزایش یابد تا قیمت نفت در بازار تعیین شود. با به‌دست آوردن توانایی کنترل قیمت‌ها، مصرف‌کنندگان نفت در موقعیتی قرار می‌گیرند که اوپک و در نتیجه موقعیت‌های سنتی برجسته عربستان در بازار جهانی نفت را تهدید کنند. ریاض همچنین نگران است که ایالات متحده در آینده از سقف قیمتی برای مجازات سایر تولیدکنندگان نفت استفاده کند. وزیر انرژی عربستان در مارس ۲۰۲۳ هشدار داد که اگر سقف قیمتی برای صادرات نفت عربستان اعمال شود، به هیچ کشوری که سقف قیمتی را عرضه نماید، نفت نخواهد فروخت (Hasanov & Razeq, 2023).

علاوه بر این، عربستان با تلاش‌های قانونی در سنای ایالات متحده برای هدف قرار دادن اوپک بر اساس قانون منع کارتل‌های تولید و صادرات نفت مخالف است و این قانون را افزودن «لایه‌های جدید ریسک و عدم اطمینان» تفسیر می‌نماید. در شرایط بدتر شدن روابط واشنگتن و ریاض، سعودی‌ها نگران هستند که رویکرد بدون منع آمریکا برای هدف قرار دادن اقتصاد روسیه ممکن است هر کشوری از جمله کشور آن‌ها را که به سیستم مالی بین‌المللی به رهبری ایالات متحده متکی است، تهدید کند. واشنگتن تقریباً ۳۰۰ میلیارد دلار از ذخایر دلاری روسیه را مسدود کرده و کنترل‌های صادراتی و تحریم‌های فرا سرزمینی بی‌شماری را علیه نهادها و افراد روسیه اعمال کرده است. اگر روابط با واشنگتن تیره شود، احتمالاً عربستان در برابر اجبار اقتصادی ایالات متحده آسیب‌پذیرتر است. به‌هرحال، عربستان صدها میلیارد دلار ذخایر و سرمایه‌گذاری‌های مستقل دارد و کالای اصلی صادراتی خود را به دلار قیمت‌گذاری نموده و پول خود را به دلار متصل نموده است. اطلاعات صندوق بین‌المللی پول نشان‌دهنده این موضوع است که عربستان در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد که تمام آن نیز به دلار است (IMF, 2022).



نمودار ۲- ذخایر ارزی عربستان

بنابراین تمایل عربستان به فرآیند دلارزدایی برگرفته از تجربیات موجود به‌ویژه تحریم‌های روسیه و ایران و درعین حال تمایل ایالات متحده برای ایجاد قیمت ثابت برای عرضه نفت است. در مقابل، چین نیز به دلیل آسیب از تحریم علیه ایران و روسیه در پی ایجاد ثباتی در مبدأ تأمین انرژی خود است و در کنار آن نیز به دنبال کاهش قدرت هژمون دلار در مبادلات جهانی است. اولین اقدام چین آغاز مبادلات گاز و نفت در بورس شانگهای با یوان بوده که از سال ۲۰۲۲ آن را به انجام رسانده است. درعین حال چین گسترش سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی خود را به منطقه خلیج فارس به‌عنوان یک پلتفرم جایگزین برای سوئیفت پیشنهاد نموده است.

تمامی این شرایط به این امر منتهی شده که عربستان رسماً در اوایل سال ۲۰۲۳ درخواست پیوستن به بریکس را ارائه نمود که این تقاضا در سپتامبر ۲۰۲۳ مورد تأیید قرار گرفت و براین اساس این کشور از آغاز سال ۲۰۲۴ عضو جدید بریکس خواهد بود. عضویت عربستان در بریکس به معنی استفاده از امکانات طراحی شده در این سازمان جهت استفاده از ارزهای جایگزین برای دلار است و توانایی را برای عربستان ایجاد می‌نماید که بالغ بر ۴۰ درصد از صادرات نفت خود را از طریق مکانیسم‌های موجود در بریکس (همچون یوان برابر شده با طلا، ارزهای دیجیتال بانک مرکزی چین و هند و روسیه که با طلا هم‌تراز شده‌اند) به انجام رساند و آسیب‌پذیری خود در برابر وابستگی به دلار را کاهش دهد.

در موضع مقابل نیز، چین از طریق انعقاد قرارداد بلندمدت با عربستان در زمینه استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و استفاده از ارز جایگزین در مبادلات، ضمن ایجاد مسیری برای تأمین امنیت انرژی خود، مقابله با هژمونی دلار را نیز گسترده خواهد نمود و به تلاش‌های این کشور جهت مقابله با صندوق بین‌المللی پول و استیلای ایالات متحده آمریکا بر آن، رونق مضاعفی خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نکته در خصوص فرآیند دلارزدایی و تلاش سازمان‌هایی همچون بریکس به رهبری چین جهت مقابله با هژمونی دلار این است که دلارزدایی هیچ‌گاه به معنی کنار نهادن دلار نبوده و صرفاً تلاش در جهت متنوع نمودن سبد ارزی کشورها و افزایش قدرت مانور بانک‌های مرکزی در مبادلات بین‌المللی است. به همین دلیل است که چین همچنان یکی از مهم‌ترین خریداران اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا است، هرچند در عرصه مبادلات بین‌المللی تلاش بسیاری را برای کاهش حیطه قدرت دلار آمریکا به انجام رسانده است. به موازات این موضوع، اگرچه بعید است که عربستان در کوتاه و حتی میان‌مدت قادر به کنار گذاردن دلار آمریکا باشد، با این وجود در حال توسعه ابزار مالی گسترده‌تری برای کاهش وابستگی خود است. ریاض گام‌های مهمی همچون طراحی ارز دیجیتال بانک مرکزی را به انجام رسانده که نقش مهمی در مبادلات اعضاء بریکس دارد. ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی علیرغم اینکه در مراحل اولیه خود هستند، به نظر می‌رسد یک ابزار جدید بالقوه امیدوارکننده برای کاهش وابستگی دلار برای مبادلات مرزی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌گردند.

درعین حال بایست توجه داشت که اقدامات صورت گرفته از سوی عربستان جهت توسعه همکاری با

چین تحت‌الشعاع رابطه این کشور با ایالات متحده قرار دارد، زیرا این کشور به‌طور عمیقی در ساختار اقتصادی و امنیتی تحت رهبری ایالات متحده قرار دارد که نمی‌توانند به‌سادگی وابستگی به دلار را کاهش دهد. همچنین در حال حاضر هیچ نیتی برای کنار گذاشتن پیوندهای ارزی یا پایان دادن به مشارکت دفاعی با ایالات متحده وجود ندارد. به‌همین دلیل نیز استراتژی بلندمدت عربستان این است که توانایی انجام مبادلات را در هر دو منطقه دلاری شده و دلارزدایی شده را توسعه دهند و ضمن حفظ جایگاه خود در عرصه توزیع انرژی جهان، وابستگی خود به واشنگتن را کاهش دهند.

نکته اساسی دیگر در دلارزدایی، سهم اندک ارز چین از مبادلات جهانی است زیرا به‌رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر توسط چین، در حال حاضر صرفاً ۴/۵ درصد از مبادلات جهانی به یوان به انجام می‌رسد و پائین بودن ارزش یوان در برابر دلار، هرچند به‌عنوان یک سیاست جهت ترغیب تجارت، واهمه کاهش ارز سپرده به این ارز را افزایش داده است. اقدام چین برای رفع این معضل، برابری یوان با طلا برای کاهش نوسانات آن بوده است که تا حدی مؤثر واقع شده است. در مجموع، آنچه می‌توان نام «تأثیر پنهان اعمال تحریم از سوی آمریکا» بر آن نهاد سبب شده است تا کشورهای مختلف به فرآیند دلارزدایی توجه نمایند و به‌همین دلیل اقداماتی را در جهت کاهش وابستگی به دلار به انجام رسانند.

منابع

- آل کجباغ، حسین؛ کریمی مهابادی، حسن؛ بابایی، مجتبی (۱۴۰۱)، «تدابیر ایران و جامعه بین‌المللی علیه تحریم با تأکید بر سیستم بین‌المللی پرداخت سوئیفت و دلارزدایی در پرتو اقتصاد مقاومتی»، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۰(۴۰): ۸۷۶-۸۴۸. <https://doi.org/10.30507/jmsp.2022.318599.2345>
- شهریاری، ابوالقاسم؛ اطهری، سیدحسین (۱۴۰۲)، «امکان‌سنجی دلارزدایی در اقتصاد ایران براساس عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی، ۶(۲): ۵۷۹-۶۰۵. <https://doi.org/10.22126/ipes.2023.9023.1567>
- شهریاری، ابوالقاسم؛ حجازی، سید نصرالله؛ عسکرآبادی، فهیمه (۱۴۰۲)، «تأثیر دلارزدایی بر کاهش اثر تحریم و افزایش همگرایی اقتصادی مطالعه موردی: مبادلات ایران و کشورهای عضو آسه‌آن»، راهبرد توسعه، ۷۵(۱۹): ۷-۳۸.
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، «استفاده ابزاری آمریکا از دلار؛ اهداف، پیامدها، واکنش‌ها و ارائه رویکردهای رسانه‌ای»، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۴(۴): ۸۹-۱۱۴.

References

- Abuselidze, George and Miza, Surmanidze. (2019), Paradigms of de-dollarization, challenges and analysis of expected results in Georgia. Economic analysis, 29(1): 63-67. <http://dx.doi.org/10.35774/econa2019.01.063>
- Al-Kajbaf, Hossein; Karimi Mahabadi, Hassan; Babaei, Mojtabi. (2022), Measures of Iran

- and the international community against sanctions with an emphasis on the SWIFT international payment system and dollarization in the light of resistance economy. Strategic and macro policies, 10 (40): 876-848. [In Persian]. <https://doi.org/10.30507/jmsp.2022.318599.2345>
- Arrieta, Johar. Florián, David. López, Kristian and Morales, Valeria. (2020), Policies for Transactional De-Dollarization: A Laboratory Study, Serie de Documentos de Trabajo Working Paper series, No: 2020-011. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2022.05.012>
 - Brandt, Patrick and Freeman, John (2006), Advances in Bayesian Time Series Modeling and the Study of Politics: Theory Testing, Forecasting, and Policy Analysis. Political Analysis, 14 (1): 1-36. <https://doi.org/10.1093/pan/mpi035>
 - BRICS Business Council. (2020), Annual Report of 2020 on BRICS. Access at: <https://brics-russia2020.ru/images/114/83/1148381.pdf>
 - Cakir, Selim. Atamanchuk, Maria. Al Riyami, Mazin, Sharashidze, Nia and Reyes, Nathalie. (2022), Reducing Dollarization in the Caucasus and Central Asia: What Could Help Make Further Progress, IMF Working Papers, No: WP/22/154. ISBN/ISSN: 9798400216381/1018-5941
 - Catão, Luis and Terrones, Marco. (2016), Financial De-Dollarization: A Global Perspective and the Peruvian Experience, IMF Working Papers, No: WP/16/97. ISBN/ISSN: 9781484341377/1018-5941
 - Contreras, Alex. Gondo, Rocío. Ore, Erick and Forero, Fernando. (2019), Assessing the impact of credit de-dollarization measures in Peru, Serie de Documentos de Trabajo Working Paper series, No: 2019-005. Access at: <https://ideas.repec.org/p/rbp/wpaper/2018-009.html>
 - Desai, Radhika and Hudson, Michael (2021), Beyond the Dollar Creditocracy: A Geopolitical Economy, Valdai Papers, NO: 2021- 116. Access at: <https://valdaiclub.com/a/valdai-papers/valdai-papers-116/>
 - Dettling, Mark. (2020), Applied Time Series Analysis, Institute for Data Analysis and Process Design, Zurich University. ISBN: 9781439818374
 - Davis, Stuart. (2023), Sanctions as war: anti-imperialist perspectives on American geo-economic, Published by Hayamarket Books. ISBN: 9004501193
 - Eichengreen, Barry and Flandreau Marc. (2009), The rise and fall of the dollar (or when did the dollar replace sterling as the leading reserve currency?): European Review of Economic History, 13 (3): 377-411. <https://doi.org/10.1017/S1361491609990153>
 - Hasanov, Fakhri & Razek, Noha (2023): Oil and Non-Oil Determinants of Saudi Arabia's International Competitiveness: Historical Analysis and Policy Simulations, Sustainability, 15 (11): 90-101. <https://doi.org/10.3390/su15119011>
 - Heath, Timothy (2016): China's Evolving Approach to Economic Diplomacy, Asia Policy, 22 (2): 157-192. <https://doi.org/10.1353/asp.2016.0020>
 - Hedayati Shahidani, Mehdi (2018), America's instrumental use of the dollar; Objectives, Consequences, Reactions and Presentation of Media Approaches, Journal of International Media, 4(4): 114-89. [In Persian].
 - Hooijmaaijers, Bas (2021), China, the BRICS, and the limitations of reshaping global economic governance, The PACIFIC Review, 34 (1): 29-55. <https://doi.org/10.1080/09512748.2019.1649298>
 - Huleppa, Alwar. (2023), The Statuses of De-Dollarization in the Indian Economy, Journal of Emerging Technologies and Innovative Research, 10 (1): 326-332. Access at: <https://www.jetir.org/view?paper=JETIR2301545>

- Galindo, Arturo and Leiderman, Leonardo. (2005), Living with Dollarization and the Route to Dedollarization, Working Paper, No: 526, Inter-American Development Bank, Research Department, Washington. Access at: <https://ideas.repec.org/p/idb/wpaper/4397.html>
- Gribina, Nico and Trushkin, Sergey. (2020), De dollarization as an Indicator of the Formation of National-Oriented Public Policy, *Advances in Economics, Business and Management Research*, 32 (128): 1085-1089. <https://doi.org/10.2991/aebmr.k.200312.149>
- IMF (2022): SAUDI ARABIA, IMF Country Report, No. 22/274. ISBN/ISSN: 9798400252099/1934-7685
- Johnson, Juliet. (2013), The Russian federation: International Monetary Reform and Currency Internationalization, Asian Development Bank Working Paper, No: 2013-4. Access at: https://www.cigionline.org/static/documents/brics_asia_no4.pdf
- Kievich, Advin. (2018), De-Dollarization of the World Economy as an Objective reality, Repository of Polessky State University Paper, No: 336. Access at: <https://core.ac.uk/download/pdf/214860318.pdf>
- Liu, Zongyuan Zoe and Papa, Mihaela. (2022), Can BRICS De-dollarize the Global Financial System?, University Printing House, Cambridge. ISBN: 1009014625
- Molodyko, Kirill. (2020), From Reserve Currencies to Reserves of Critical Goods: Designing a New BRICS International Currency, *BRICS Law Journal*, 7 (4): 67-84. <https://doi.org/10.21684/2412-2343-2020-7-4-67-84>
- New Development Bank (NDB): (2017), NDB's General Strategy: .2017-2021 New Development Bank. Access at: www.ndb.int/wp-content/uploads/2017/07/NDB-Strategy-Final.pdf
- New Development Bank (NDB): (2019), Annual Report 2019. Access at: www.ndb.int/annual-report-2019/
- Parfinenko, Tamara. (2019), International Economic Integration of BRICS Countries—Driver of Regional and Global Economic Growth, *Advances in Economics, Business and Management Research* 22 (131), 426-431. <http://dx.doi.org/10.2991/aebmr.k.200324.080>
- Plata, Patricia Alvarez and Herrero, Alicia García. (2007): To dollarize or de-dollarize: Consequences for Monetary Policy, Asian Development Bank Working Paper, No: 2007-1. Access at: https://www.bbva-research.com/wp-content/uploads/mult/WP_0808_tcm348-212943.pdf
- Razek, Noha. Galvani, Valentina. Rajan, Surya & Brian McQuinn (2023), Can U.S. strategic petroleum reserves calm a tight market exacerbated by the Russia–Ukraine conflict? *Resources Policy*, 86 (2): 104-116. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.104062>
- Sarkar, Rumu. (2016), Trends in Global Finance: The New Development (BRICS) Bank, *Loyola University Chicago International Law Review*, 13 (2): 89-103. Access at: <https://lawcommons.luc.edu/lucilr/vol13/iss2/2>
- Sciortino, Raffaele. (2022), Internationalisation of the Renminbi Yuan and De-dollarization, In: *The US-China rift and its impact on globalization. Crisis, strategy, transitions*, published by Asterios Editore, Trieste. . ISBN: 363892030
- Singh, Ridipt. (2023), Russia, India, and China Alliance – Towards balancing the world order, *Electronic Journal of Social and Strategic Studies*, 3 (3): 328-350. <https://doi.org/10.47362/EJSSS.2023.3304>
- Shahriari, Abolqasem; Athari, Seyed Hossein (2023), Feasibility of dollarization in Iran's economy based on membership in Shanghai Cooperation Organization, Interna-

- tional Political Economy Studies, 6 (2): 579-605. [In Persian]. <https://doi.org/10.22126/ipes.2023.9023.1567>
- Shahriari, Abulqasem, Hijazi, Seyyed Nasraleh; Askarabadi, Fahmieh (2023), "The effect of dollarization on reducing the effect of sanctions and increasing economic convergence, a case study: exchanges between Iran and ASEAN member countries", *Development Strategy*, 75 (19): 7-38. [In Persian].
 - Shagina, Maria. (2022): Western financial warfare and Russia's de-dollarization strategy: How sanctions on Russia might reshape the global financial system, FIIA Briefing Paper, No: 339. ISBN: 9789517697262
 - Sutter, Karen and Nelson, Rebecca. (2021), De-Dollarization Efforts in China and Russia, Congressional Research Service, No: 2021-885. Access at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF11885>
 - Yeyati, Eduardo Levy. (2021): Financial dollarization and de-dollarization in the new millennium, Serie de Documentos de Trabajo Working Paper series, No 2021-38. Access at: https://ideas.repec.org/p/udt/wpecon/wp_gob_2021_02.html
 - Weakliem, D. (2010): Time Series Analysis of Political Change. In: *Handbook of Politics. Handbooks of Sociology and Social Research*. Springer, New York. https://doi.org/10.1007/978-0-387-68930-2_34